

# استراتژی اقتصادی قرقیزستان در انتقال به اقتصاد آزاد

جوماکان لایلی‌یف<sup>۱</sup>

ترجمه بهرام تهرانی

انتقال به اقتصاد آزاد در جمهوری قرقیزستان از سال ۱۹۹۲ شروع شد و حدود ۳ سال است که قرقیزستان دوران انتقال را طی می‌کند. در این مدت کوتاه این کشور توانست موفقیت‌های مشخصی در راستای از بین بردن سیستم قدیم مدیریت متمرکز به دست آورد و پی‌ریزی روابط اقتصادی جدید را به سوی اقتصاد بازار انجام دهد.

دوره انتقال به موازات بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی، هر ساله روند کاهش حجم تولیدات و پایین آمدن سطح زندگی اکثریت مردم را تسریع نموده و توسعه اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در کشور را باز می‌دارد. کاهش شدید تولیدات صنعتی، ساختمانی و معدنی موجب افزایش تقاضا برای آن محصولات و محدودیت عملیات ساختمانی و نیز گران شدن بهای انرژی که قسمت اعظم آن از کشورهای مشترک‌المنافع وارد می‌شود، گردیده است که این خود از عوامل اصلی توقف تولیدات صنعتی، ساختمانی و معدنی (استخراج ذغال) در تمام مناطق کشور محسوب می‌شود. اوضاع وخیم اقتصادی - مالی در صنعت ماشین‌سازی نیز به چشم می‌خورد که ناشی از شرایط پیچیده بازار کالا و مصرف در شوروی سابق است؛ با توجه به این نکته که سهم مبادله کالا در سطح تعاونی‌ها با شرکای سابق شوروی بیش از ۹۰ درصد می‌باشد. ضمناً بعضی از جمهوری‌ها از این حد نیز فراتر رفته‌اند. به‌طور مثال برای قرقیزستان مجتمع صنایع نظامی احداث کردند، در حالی که قرقیزستان یک کشور کشاورزی بوده و اقتصاد آن به هیچ وجه نمی‌توانست با مجتمع صنایع نظامی تلفیق شود.

چنین برنامه‌ریزی اشتباه در جمهوری باعث تخریب روند توسعه اقتصادی در کشور گردید. در این جمهوری تا به امروز هیچ طرح علمی برای تولید مواد اولیه کشاورزی پیاده نگردیده است در نتیجه، کاهش سالیانه محصولات کشاورزی از جمله میوه را شاهد بوده و در حال حاضر به میزان ۳۰ تا ۳۵ درصد از حجم تولیدات و محصولات می‌رسد.

با شرایط موجود در قرقیزستان در مرحله حاضر توسعه مجتمع صنعت کشاورزی بسیار

۱. جوماکان لایلی‌یف، رئیس انستیتوی اقتصاد و سیاست آکادمی ملی قرقیزستان است.

حیاتی است. همچنین در محلهایی که پیشرفت اقتصادی - اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد و پتانسیل اشتغال موجود می‌باشد، نیروی کار خود روستاییان می‌تواند از تجارب خارجی‌ها و از تکنولوژی تولیدی پیشرفته کشورهای مثل چین، ژاپن و هلند استفاده کند. این امر در نهایت باعث محو کامل کاهش سالیانه محصولات کشاورزی و باغات و تاکستانها و همچنین محصولات دامی که امروزه به پایین‌ترین حد ممکن رسیده است، خواهد شد و تدریجاً کالاهای دارای مصرف عمومی با کیفیت مطلوب و مرغوب نه تنها برای کشور بلکه برای بازار جهانی تولید خواهد شد.

ضمناً در مناطق کشاورزی، توسعه علوم جنبی در ارتباط با استخراج و تهیه مواد خام محلی، به منظور تولید مصالح ساختمانی، منابع سوختی و غیره بسیار مفید و سازنده خواهد بود. این کشور هنوز به طور کامل از پتانسیلهای کاری خود استفاده نکرده است. در حال حاضر در مناطق کشاورزی، تقریباً  $\frac{2}{3}$  کل جمعیت کشور زندگی می‌کنند. در بخش کشاورزی (تا پایان سال ۱۹۹۳) تا چهارصد محصول داخلی تولید شده است. اطلاعات فوق، نشان‌دهنده این است که کشاورزی کشور هنوز به میزان فراوان دارای ذخایر برای توسعه می‌باشد. در دوران انتقال این روند می‌تواند موجب توسعه مؤسسات تولیدی و تشکیلات کشاورزی و مزرعه‌ای و نیز شرکتهای بزرگ و آموزشی گردد.

در دوران انتقال زمانی که سیستم اقتصاد متمرکز از بین رفته و هنوز اقتصاد بازار در کشور جایگزین نشده است، بهترین و مؤثرترین روش، دخالت مؤثر ارگانهای دولتی در پروسه‌های اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده در کشور است و آن‌طور که تجربه جهانی نشان می‌دهد (تجارب چین، ژاپن، کره جنوبی) بدون مکانیزم دولتی قوی و خوب تعیین ساختار تولید و ارتباط مالی، اعتباری و پولی و موفقیت در توسعه اجتماعی - اقتصادی به دست نمی‌آید.

در این خصوص لازم به ذکر است که در کشور تقریباً کلیه اسناد و مدارک رسمی انتقال به اقتصاد بازار به طور مستقل، اعلام شده است. عدم انتشار یکی از موانع اصلی تولید بود که منجر به وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشور گردیده است.

در حال حاضر مشکلی که برای قرقیزستان وجود دارد، نتایج توسعه آتی تحولات سیاسی، اقتصادی و کشاورزی و زمین است. در مرحله اول باید از کاهش کامل تولیدات صنعتی و کشاورزی جلوگیری به عمل آورده و سپس آن را تثبیت نموده و توسعه بخشید و نیز کلیه زمینه‌های تولید را که مهمترین معضل اقتصاد انتقالی محسوب می‌شود بهبود بخشید. در اینجا باید به خط‌مشی دولتی و توسعه سریع و همه‌جانبه و کاربرد روشهای اقتصاد بازار در مدیریت تولید اشاره نمود. این امر به نظر ما یکی از اهداف اصلی در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور در

مرحله حاضر محسوب می‌شود. به نظر ما عوامل اصلی در این برنامه در آینده نزدیک عبارت‌اند از:

- تحکیم همه‌جانبه و گسترش آتی ارتباطات اقتصادی بین دولتها و مناطق که اولویت اول با کشورهای مشترک‌المنافع که این ارتباطات ریشه دیرینه‌ای دارند، می‌باشد؛

- توسعه شاخه‌های اقتصادی پیشرفته کشور که بازار کالاهای مصرفی را پُر می‌کنند؛  
- رشد درآمد ملی؛

- تشکیل و تأمین ساختار بازار در کلیه رشته‌های اقتصادی، بیش از همه در مجتمعهای صنایع کشاورزی، صنایع استخراجی و انرژی آب.

در سیاست اقتصادی - اجتماعی جمهوری قرقیزستان در دوران انتقالی یکی از عوامل اصلی پیشرفت، اجرای تحولات رادیکال در کشاورزی و زمین که تأمین‌کننده توسعه مجتمعهای صنایع کشاورزی است، می‌باشد. زیرا این شاخه صنعتی از عوامل اصلی اقتصاد ملی است که از اصول پایه‌ای اقتصاد بازار محسوب می‌گردد، و در کل، مدل آینده سیستم اقتصادی که بر پایه اصول آزادی شخصی تولیدکننده، مصرف‌کننده و پرسنل پایه‌ریزی شده است را تعیین می‌کند. بنابراین در مرحله کنونی توسعه، هدف اصلی و نهایی اجرای اصلاحات، جلوگیری از کاهش بیشتر تولید در بخش صنایع، مجتمعهای ساختمانی و کشاورزی و تثبیت و بالا بردن تولیدات در آینده است.

در حال حاضر اوضاع اقتصادی - اجتماعی با افت شدید تولیدات، فقیر شدن قشر وسیعی از مردم، بحران شدید اقتصادی - اجتماعی در کشور همراه است. اوضاع بحرانی که تمام زمینه‌های زندگی اقتصادی - اجتماعی کشور را دربر گرفته، هر روز شاهد رشد و عمیق‌تر شدن آن هستیم. شاخصها نشان می‌دهند که هر ساله محصولات محوری داخلی بخصوص در سالهای ۹۳-۱۹۹۲ به میزان ۱۶/۴ درصد کاهش یافته است. حجم تولیدات صنعتی طی سال ۱۹۹۲ به میزان ۲۴/۲ درصد و در سال ۱۹۹۳ به ۲۰ درصد کاهش یافته است. کاهش تولیدات کشاورزی از لحاظ حجم به میزان ۵ تا ۸ درصد کاهش داشته است. حجم کل سرمایه‌گذاری در شاخه اقتصاد ملی در سال ۱۹۹۲ تقریباً ۳۲ درصد کاهش پیدا کرده است. بحران اقتصادی - اجتماعی کل جامعه را دربر گرفته و موجب پایین آمدن سطح زندگی مردم گردیده است. تمام شاخصهای اصلی تولیدات کشاورزی و صنعت کشور شدیداً وخیم شدن اوضاع را نشان می‌دهند. کلاً پیدایش بحران اقتصادی در اقتصاد ملی کشور، ناشی از دگرگون شدن ساختار تولیدی اقتصاد و تخریب پتانسیل احیای آن می‌باشد. در سالهای اخیر عدم تناسب بین عوامل مالی و کالایی تولید مجدد پیدا شده است. در این برنامه در پروسه تولید مجدد، روند خطرناک و دائمی کاهش

قیمتها و فرسودگی فیزیکی و معنوی اصل سرمایه (بدون هیچ‌گونه احیاء) و عدم رفع آن که در نهایت عواقب سختی برای توسعه اقتصادی کشور به‌همراه دارد را شاهد هستیم. ادامه بحران اقتصادی در بخش کشاورزی و ضرورت تغییر خط تولید در سه - چهار سال اخیر همراه با توقف کامل تولید بوده است.

در حال حاضر بیشترین نگرانی وجود نابسامانی در تولید کشاورزی و مجتمعهای صنایع کشاورزی می‌باشد. وضعیت موجود در بخش کشاورزی در نتیجه قطع روابط اقتصادی درازمدت این جمهوری با سایر کشورهای مشترک‌المنافع می‌باشد.

امروزه بیش از ۲۰،۰۰۰ تشکیلات کشاورزی و شرکت در جمهوری تأسیس شده است. قطعه زمینی که به هریک از تشکیلات کشاورزی داده شده است حدود ۸۹ هکتار است. در حال حاضر سهم کشاورزان از محصولات به‌دست آمده از این زمینها بسیار ناچیز و در حدود ۸-۶ درصد می‌باشد. شرکتها و تشکیلات کشاورزی به‌طور کامل از لحاظ فنی - مالی و امکانات کود و غیره تأمین شده‌اند. کمبودهای دیگری از قبیل مواد سوختی و روغن و ماشین‌آلات نیز به‌علت نبود سیاست صحیح نه‌تنها برای کشاورزان جزء بلکه برای این‌گونه تشکیلات کشاورزی نیز وجود دارد. در اینجا لازم به ذکر است که در ارتباط با انتقال به بازار آزاد و در نتیجه اقدامات انجام شده در مورد آزادسازی قیمتها برای محصولات صنعتی و ساختمانی بخصوص برای وسائل تولید و سوخت و روغن و اخذ مالیات از فروش و بالا رفتن قیمت کالاها در صنعت، موجب پیدایش عدم تعادل در قیمت‌گذاری بین تولیدات کشاورزی و صنایع شده است. این اقدامات اشتباه برای انتقال به بازار آزاد بیش از همه منجر به بالا رفتن قیمت کالاها در کلیه زمینه‌ها بخصوص در انرژی و محصولات کشاورزی شده است.

به‌دنبال شکست تأسیس تشکیلات بزرگ کشاورزی تأسیس شده، شرکتهای کوچک و متوسط کشاورزی در سطوح روستاها به‌وجود آمد. این امر نیز موجب وخیم‌تر شدن تأمین قطعات یدکی، ماشین‌آلات، سوخت و روغن و سایر ملزومات مورد نیاز گردید. در نتیجه شرکتها و تشکیلات کشاورزی که هنوز نتوانسته بودند به‌طور کامل پا بگیرند با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند و در لبه پرتگاه قرار گرفتند. چون آن‌طوری که باید و شاید در روستاها ساختار زیربنایی تولید کشاورزی شکل نگرفته بود. به این علت افت تولیدات در کشاورزی به‌وجود آمد. ضمناً باید خاطر نشان ساخت که هیچ‌گونه اعتبار و کمک مالی دولتی و یا حمایت‌های دیگر از طرف دولت انجام نپذیرفت در حالی که توازن اصلی توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور در این شاخه می‌باشد. به همین علت این معضل یک عامل مهم باز دارنده در اجرای تحولات و اصلاحات کشاورزی در کشور محسوب می‌شود. مسئله مهمی که در تقابل اقتصاد کشاورزی

کشور وجود دارد، مسئله اصلاحات ساختاری در مجتمعات صنایع کشاورزی، واردات و تأمین کامل محصولات و مواد غذایی برای مردم و احیای صنایع مرتبط به مواد اولیه کشاورزی می‌باشد. در راستای توسعه مجتمعات صنایع کشاورزی باید به ضرورت سرمایه‌گذاری‌های تولیدی در مقیاس مختلف نظر داشت و به منظور اجرای این هدف باید از سرمایه‌های داخلی و خارجی استفاده نمود تا تولیدات در سطح جهانی به دست آید.

حال چند کلامی در مورد توسعه صنعت و بعضی از مسائل مربوط به احیای ساختارهای تولیدات صنعتی قرقیزستان صحبت می‌کنم. تحولات و اصلاحات تنظیم در شاخه صنعت بعد از فروپاشی شوروی ضرورت دارد یعنی انجام اصلاحات ساختاری در کلیه تولیدات صنعتی و بازسازی مؤسسات عظیم در رشته‌های متالورژی، ماشین‌سازی، الکترونیک و سایر مواردی که در گذشته جزء حلقه‌های مورد نیاز تولید ویژه کل و سراسری کشور محسوب می‌شد. در آن زمان این مؤسسات جزء حلقه‌های کارخانجات معظم منظور می‌گردید ولی از نظر اقتصادی با بازار داخلی کشور هماهنگ و توأم نبود. این کارخانجات بزرگ بیشترین نیازهای خود از قبیل انرژی، مواد خام و سایر مواد را وارد می‌کردند و بیش از ۷۰ درصد تولیدات را صادر می‌نمودند. بدین علت کارخانجات بزرگ این کشور بعد از فروپاشی شوروی بدون مشتری و بازار مصرف ماندند. بیشتر کارخانجات موقتاً فعالیت‌های خود را تعطیل کردند و یا قسمتی از تولیدات خود را کاهش دادند که این امر منجر به کمکاری پرسنل گردید. لذا بازنگری در تولیدات این مؤسسات صنعتی باید صورت گیرد و تولیدات جدیدتر و محصولات مرغوبتری، ابتدا برای بازار داخلی سپس برای کشورهای مشترک‌المنافع و در نهایت برای بازار جهانی تولید گردد و مؤسسات صنعتی باید سریعاً خود را با شرایط و تقاضاهای بازار جدید تطابق دهند. در مرحله کنونی ضرورت انجام مطالعات برای مؤسسات صنعتی به منظور افزایش فعالیت آنها و امکان سریع تغییرات در تولید با توجه به نیاز بازار امری ضروری و حیاتی است.

با توجه به مطالب فوق لازم به اشاره است که انجام هرگونه اقدام، توصیه و پیشنهاد در گرو ثبات اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۹۵ و افزایش و گسترش ثمردهی اقتصاد قرقیزستان است.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی